

www.ketab.ir

تئوری تئوری

واکاوی ریشه‌های تئوریک و عملی مجاهدین خلق

علی بیافرین



لشکر معارف

فپا

سرشناسه: بیافرین، علی، ۱۳۵۸- عنوان و نام پدیدآور: تنوری ترور/علی بیافرین.
مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ سم. شابک: 978-600-441-382-4
وضعیت فهرست نویسی: فپا یادداشت: کتابنامه. موضوع: سازمان مجاهدین
خلق ایران موضوع: Sazeman Mojahedin Khalq Iran موضوع: نهضت آزادی ایران
موضوع: حزب‌های سیاسی -- ایران -- تاریخ-- قرن ۱۴ موضوع: Iran -- Political parties
History-- 20th century -- موضوع: ترور -- ایران موضوع: Iran -- Assassination
شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. دفتر نشر معارف
رده بندی کنگره: DSRI۵۴۲ رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۰۴۵۲ شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۳۴۴۳۲



ناشر معارف

تنوری ترور

نویسنده: علی بیافرین صفحه‌آرا: حسین قاسمیان طرح جلد:
محمدحسین مؤیدی ناشر: دفتر نشر معارف (وابسته به نهاد
نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها) نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد شابک: ۴-۳۸۲-۴۴۱-۶۰۰-۹۷۸ قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

دفتر نشر معارف قم، خیابان شهید کوجه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۰۲۵-۲۷۷۴۰۰۰۴

مدیریت پخش (مرکزی) قم، شرکت پخش کتاب، تلفکس: ۰۲۵-۳۱۰۷۷

مراکز پخش

- اراک: ۰۸۶-۲۲۲۲۹۰۲۸ ارومیه: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۶۶ اصفهان: ۰۲۱-۳۲۲۱۶۹۲ اهواز: ۰۶۱-۲۲۲۳۸۰۰۰
- ایلام: ۰۸۶-۳۳۳۶۲۲۸۲ بجنورد: ۰۵۸-۲۲۲۴۳۲۷۸ بردسکن: ۰۵۱-۵۵۴۳۰۱۲۱ بندرعباس: ۰۷۶-۳۳۶۱۷۵۵۷
- بیرجند: ۰۵۶-۲۲۴۳۳۵۱۲ تربت حیدریه: ۰۵۱-۵۲۲۸۶۵۰ تهران: ۰۲۱-۸۸۹۱۱۲۱۲ مرشد: ۰۱۳-۳۳۳۳۵۶۹
- زاهدان: ۰۵۶-۲۲۲۲۸۸۷۹ زنجان: ۰۲۴-۳۳۳۶۶۲۵ ساری: ۰۱۱-۳۲۲۵۳۰۲۰ سبزوار: ۰۵۱-۴۴۲۲۴۰۰۴
- سمنان: ۰۲۳-۲۲۴۵۲۲۱۱ سیرجان: ۰۳۴-۴۲۲۶۸۰۵۸ شهرکرد: ۰۲۸-۳۲۲۵۰۰۰۴ شیراز: ۰۷۱-۲۲۲۴۴۶۱۴
- قزوین: ۰۲۸-۳۳۳۶۰۰۷۶ قم: ۰۲۵-۲۷۷۴۲۷۵۷ کازرون: ۰۷۱-۴۲۲۴۳۳۰ کرمان: ۰۲۴-۳۳۳۱۴۶۶
- کرمانشاه: ۰۸۳-۲۲۲۳۸۶۱۱ کرگان: ۰۱۷-۳۲۲۳۷۸۰ مشهد: ۰۵۱-۳۲۲۲۰۱۱۹ ملایر: ۰۸۱-۳۳۳۱۲۷۶
- نیریز: ۰۷۱-۵۳۸۲۱۶۹۰ یاسوج: ۰۷۶-۳۳۲۲۸۶۲۲ یزد: ۰۳۵-۲۷۲۲۲۹۵۰

www.nashremaaref.ir : E-mail: info@nashremaaref.ir

NashreMaaref

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.



این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۱.....	فصل اول: استراتژی قهر (روش های مسلحانه)
۱۷.....	فصل دوم: شکل گیری سازمان مجاهدین خلق
۱۰۳.....	فصل سوم: نهضت آزادی و سازمان مجاهدین خلق
۱۲۵...	فصل چهارم: بنیانگذاران سازمان و انقطاع تاریخی و ایدئولوژیک از اسلام فقهی

مقدمه

تاریخ انقلاب اسلامی ایران ششبار از حوادثی است که مرور و تجزیه و تحلیل هر یک از آن‌ها به دفتری مستقل نیازمند است؛ از روند شکل‌گیری آن گرفته تا پیروزی انقلاب و از آستانه بیست و دوم بهمن سال ۱۳۵۷ تا این لحظه از عمر انقلاب. بی‌تردید انقلاب اسلامی به‌عنوان آخرین رویداد مهم و قابل‌اعتنا در پایان هزارهٔ دوم میلادی برای جهانیان و بخصوص سیاست‌های استکباری قابل‌مطالعه است؛ همچنانکه مطالعهٔ این پدیدهٔ منحصر به فرد برای ملتی که آن را فعلیت بخشید و کماکان در مسیر رشد آن از پشتوانه‌های اصلی به شمار می‌رود، ضروری است. این انقلاب بنا بر ماهیت آن و ارزش‌های قائم به ذات که برخاسته از اعتقادات اسلامی و زعامت و رهبری امام علیه السلام است، در مسیر خود ناخواسته نیروهای غیر خودی را به چالش کشید. طیف این نیروها به حدی گسترده و متنوع بود که در معادلات مادی شاید امکان بقای انقلاب دور از تصور بنظر می‌رسید. تعارضات ریشه‌ای این نیروها با مؤلفه‌های انقلاب به گونه‌ای بود که در هر مقطع از جریان رشد انقلاب، بخشی از این طیف‌ها به

رودررویی آشکار با آن می پرداختند. این طیف‌ها که از منتها الیه راست تا چپ آمریکائی و روسی بودند، علیرغم اختلافات ظاهری و صوری در رابطه اهداف مشترک در مقابله با موضوعیت انقلاب، همواره با ائتلاف‌های آشکار و پنهان رودرروی انقلاب ایستادند. نگاهی گذرا به اعلام موجودیت ناگهانی ده‌ها حزب و گروه و سازمان در فردای انقلاب بیانگر این مهم است که دشمن خارجی اولین استراتژی خود برای مقابله با انقلاب را از درون تدوین کرده بود. نکته جالب اینکه در نگاه اول به این کثرت، ظاهراً همه آن‌ها دارای مواضعی مستقل بوده و علیرغم سردادن شعار دموکراسی^۱ و مقابله با امپریالیزم^۲ و عدالت اجتماعی در استراتژی اهدافشان، در عین حال با داشتن داعیه رهبری در این استراتژی، تاب تحمل یکدیگر را نداشتند، و با گذشت زمان و با شکل‌گیری ساختار تشکیلاتی آن‌ها، همسویی آنها در مقابله با انقلاب پررنگتر شد. تا جائیکه که اکثر آن‌ها در برهه‌ای، از انقلاب منقطع شده و کاملاً رو در روی انقلاب، شعار سرنگونی آن را مطرح می‌کنند. مرور کارنامه هر یک از این جریان‌ها و گروه‌ها و رهبران آنها در طی سال‌های گذشته گواه این ادعا است که این احزاب از اساس در راستای مقابله با انقلاب شکل گرفته‌اند. نفوذ عناصری از رژیم گذشته، وابستگان طبقات مرفه، عناصر خود فروخته و بریده از انقلاب که به خوش خدمتی رژیم گذشته کمر بسته بودند، نیروهای حزبی و منفرد لیبرال^۳ و ملی‌نماها، بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از هسته‌های مرکزی این جریان‌ها را تشکیل می‌دادند؛ که بعدها ماهیت واقعی آنها به استناد مدارک افشا گردید. اما در این روند جریان‌هایی

۱. دموکراسی؛ فرهنگ لغت معین: حکومت مردم بر مردم، حکومتی که در آن دولتمردان از طرق مردم یا نمایندگان مردم انتخاب می‌شوند.

۲. امپریالیسم: استعمار طلبی، سرمایه‌داری - سیاستی که بنایش بر تسلط یک کشور بر کشورهای دیگر است.

۳. لیبرال؛ آزادیخواه، طرفدار آزادی.

بودند که به دلایل متعدد، از جمله گرایش‌های صوری به اسلام، حمایت‌های جانبی بعضی از شخصیت‌های مذهبی دارای مشروعیت، مبارزات مقطعی و فاکتورهای دیگر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ظاهراً در کنار انقلاب قرار گرفتند و کوشیدند از مشروعیت نسبی خود برای رسیدن به اهداف کلان خود سوءاستفاده نمایند. سازمان مجاهدین خلق که بعدها از جانب مردم و رهبری انقلاب، سازمان منافقین شناخته شد، از جمله جریان‌هایی است که مطالعه در خصوص آن به دلایل ذکر شده از اهمیت خاصی برخوردار است. این سازمان در طول عمر خود حداقل پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از آفت‌های جدی و در راستای شناخت خط اصیل انقلاب از قابل تعمق‌ترین جریان‌هایی است که با مطالعه و مرور بر مواضع و عملکرد آنها و دریافت وجوه اشتراک در عملکرد آن‌ها و پاره‌ای از احزابی که هنوز خود را با مسیر انقلاب بظاهر هماهنگ نشان می‌دهند، می‌تواند پیچیدگی‌های خط نفاق و دشمنان درونی انقلاب را بر ملا سازد. این مهم (چرخش سازمان و انحرافات آن) بیشتر از این منظر اهمیت دارد که انقلاب اسلامی کماکان در مسیر رشد خود هر گونه آفت مشابه را محتمل دانسته و کماکان برای هر دوره‌ای از آن دشمنانی را با مشروعیت‌های فرضی متصور است. جریان‌شناسی انقلاب اسلامی به ما کمک می‌کند تا فارغ از ادعاهای در پروسه عمل و در اصل تعبد به موضوع رهبری و انقلاب، خطوط نفاق جدید را کشف و برای جلوگیری از بروز وقایع تلخ گذشته و خسارت‌های سنگین آن، به احساس‌های پاک و بکر هشدار دهد و از بروز هر اتفاق مشابه در روند انقلاب جلوگیری کند. مجموعه حاضر با عنوان تاریخچه سازمان بر این اهداف بنا شده و معتقدیم کمی کنکاش در روند سازمان از یک جریان در ظاهر اعتقادی و مبارز بر علیه استبداد و امپریالیسم تا دگرگون شدن در مؤلفه‌های سرمایه‌داری و بعدتر مبتذل‌ترین وجوه اخلاقی، نشان می‌دهد که خط نفاق از شبیه‌ترین خطوط موازی

با انقلاب اسلامی است که در هر دوره و مقطع با پوشش مناسب آماده رویارویی نهائی با خط رهبری و انقلاب است. کما اینکه سازمان مجاهدین توانستند برای مدت زمان قابل ملاحظه‌ای و با استفاده ابزاری از بعضی شخصیت‌ها تا چند قدمی امام نفوذ کرده تا با کسب مشروعیت از ایشان در آخرین سنگر و مرجعیت نفوذ نمایند. این مجموعه به ما این امکان را خواهد داد تا سازمان را از زاویه‌ای تازه‌تر مورد ارزیابی قرار داده و فارغ از هر ساده‌انگاری به شناخت مصادیق پنهانی از خط نفاق با فاکتورهای زنده نزدیک شویم.